

بررسی حکم فقهی مصرف محصولات تراریخته با توجه به منابع قرآنی و روایی

کیوان احسانی^۱، مقداد نظام آبادی^۲ زهرا نظام آبادی^۳

^۱ عضو هیئت علمی دانشگاه اراک، دانشکده علوم انسانی، گروه الهیات (نویسنده مسئول)

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک

^۳ سطح سه حوزه رشته فقه و اصول از حوزه علمیه ریحانه النبی اراک

چکیده

با توجه به اختلاف نظر دانشمندان در مزایا و مضرات تکنولوژی محصولات تراریخته و واردات بدون نظارت این محصولات به کشور، جامعه به اطمینان خاطر جهت مصرف این محصولات نرسیده است. از آن جایی که احکام شرع مبنای قوانین موضوعه در جامعه ماست، بررسی مستندات فقهی مصرف محصولات تراریخته، اهمیت ویژه ای دارد. در بررسی سایتها، مقالات، و مجلات مختلف مشخص گردید که عمده مطالب فقهی در این رابطه درباره بحث تولید این محصولات است. در پژوهش حاضر با نگاه توصیفی- تحلیلی ادله جواز و عدم جواز فقهی مصرف این محصولات مورد بررسی قرار گرفت و به این نتیجه رسید که برای مصرف کننده در صورت عدم آگاهی از نوع محصول، اصل اباحه موجب جواز و در صورت آگاهی، قاعده دفع ضرر محتمل موجب عدم جواز مصرف می شود. در شرایط عسر و حرج نیز قاعده دفع ضرر محتمل بی اثر می گردد.

واژه‌های کلیدی: محصولات تراریخته، زیست فن آوری، مهندسی ژنتیک.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. مقدمه

سلامت افراد جامعه یکی از عوامل اصلی پویایی و رشد و توسعه آن جامعه است و برای تامین سلامت جامعه اصلی ترین عامل، غذای سالم و مطمئن است. غذای نا سالم موجب خمودگی انسانها، غیر فعال شدن بخش مهمی از جامعه و درگیری عده دیگری برای خدمت رسانی به بخش بیمار و ناسالم می گردد و خسارت جبران ناپذیری برای جامعه به بار می آورد. سلامت کامل افراد جامعه زمانی تامین می گردد که غذای سالم و کافی در دسترس سلول های بدن قرار گیرد. شرط اول دستیابی به این مهم، سلامت مواد اولیه غذایی و سالم ماندن مراحل بعدی تا مرحله مصرف است. اما در شرایط حاضر سلامت فرآورده های غذایی دستخوش عوامل زیادی است. استفاده از کودهای شیمیایی، آفت کش ها، علف کش ها و قارچ کش ها از جمله عوامل تهدید کننده سلامت مواد غذایی هستند.

در سه دهه اخیر با توجه به افزایش روز افزون جمعیت جهان و تغییرات زیست محیطی، دانشمندان سعی در به کار گیری روش های جدید برای افزایش کمیت و کیفیت محصولات کشاورزی و دامی نموده اند. این فعالیت ها شامل روش هایی برای دفع آفات، افزایش بهره وری، تولید محصولات با ویژگی های جدید، جهت دستیابی به امنیت غذایی و سود بیشتر می شود. یکی از این روشها تغییر ژنتیک محصولات گیاهی و حیوانی است که به آنها محصولات تراریخته گفته می شود. در این روش ژن یا ژنهایی از یک نوع گیاه یا حیوان که دارای ویژگی مطلوب و خاصی است برداشته شده و به گونه های دیگر منتقل می گردد تا خصوصیات ویژه یک محصول به محصول جدید اضافه گردد.

هر چند که برای این فن آوری مزایا و فواید زیادی شمرده شده ولی در کنار آن نگرانی های قابل تاملی نیز وجود دارد که بی توجهی به آن ها ممکن است موجب خسارت جبران ناپذیری گردد.

با توجه به این که تعیین محدوده صحیح استفاده از این تکنولوژی در جهت مصالح و سلامتی و بهره مندی همه جامعه در حوزه فقه بوده و با نگرش به اهمیت غذا در سلامت روح و جسم انسان و ارتباط آن با حوزه های اقتصاد، سیاست و سلامت جامعه و نگرش دین به این موضوعات و همچنین مستحدثه بودن این علوم و مشخص نبودن حکم شرعی مصرف این محصولات، این پژوهش درصدد آن است که حکم فقهی مرجعیت شیعه را در رابطه مصرف این محصولات از دید فقهی مورد بررسی قرار دهد. برای بدست آوردن حکم عدم جواز یا جواز مطلق یا جواز مشروط مصرف این محصولات می توان به مستندات فقهی «قاعده لا ضرر»، «قاعده دفع ضرر محتمل»، «قاعده قبح عقاب بلا بیان»، «اصل اباحه»، «اصل برائت» و قاعده «عسر و حرج» استناد نمود.

در پژوهش های انجام شده با موضوع تراریخته هریک از زاویه ای خاص، مانند مسائل زیست محیطی، اقتصادی، اخلاقی و غیره به موضوع نگاه کرده و کمتر به مسائل فقهی پرداخته شده است. از نمونه تحقیقات انجام گرفته در زمینه فقهی می توان به موارد زیر اشاره نمود.

۱- سید مجتبی نورمفیدی، حکم شناسی تراریخته، هفته نامه استان مقدس امام خمینی (س)، (۱۳۹۵) سال پنجم، شماره ۲۳۸ به بررسی فقهی محصولات تراریخته پرداخته اند.

۲- زهرا رضا نژاد، «مستندات فقهی حقوقی محصولات تراریخته»، دانشگاه علوم قران و حدیث پردیس تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۹۷. ایشان پس از بررسی مستندات فقهی محصولات تراریخته به این نتیجه رسیده اند که تولید این محصولات نه تنها از نظر فقهی با مانعی روبرو نیست حتی در مواردی مشوق زمینه سازی برای زیست فناوری نیز هست فقط ادله موجود جهت عدم جواز، مقیداتی به محدوده جواز تولید وارد می کند.

۳- زهرا نظام آبادی، «حکم فقهی محصولات تراریخته، موسسه آموزش عالی ریحانه النبوی اراک، پایان نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۹۹، ایشان پس از توضیح محصولات تراریخته، مزایا و مضرات این محصولات را از دید دانشمندان ذکر نموده و مسئله جواز یا عدم جواز از دید فقهی تولید، واردات و توزیع و مصرف محصولات تراریخته را در سه فصل جداگانه مورد بررسی قرار داده اند.

۲. اهمیت حفظ سلامتی و بهداشت در اسلام

اثر گذاری دین بر تصمیمات غذایی انسان ناشی از آن است که بسیاری از ادیان چون اسلام، یهودیت، مسیحیت و هندویسم و بودیزم در بردارنده تعالیمی در خصوص تولید و مصرف غذا می باشند. از نگاه علوم مادّی و اجتماعی، ایمنی غذایی با به کارگیری اصولی چون تمیز نگهداشتن، جدا نگهداشتن موادّ غذایی خام از موادّ غذایی پخته، پختن کامل موادّ غذایی با درجه حرارت مناسب، استفاده از آب و موادّ غذایی سالم امکان پذیر می باشد.

این چهارچوب فکری، گرایش های دینی در مورد ایمنی غذا را به حاشیه سوق می دهد. با این وجود برای یک انسان مذهبی، غذایی که در آن استانداردهای مربوط به ایمنی معنوی در تولید و مصرف مهیا نشود سلامت انسان را مورد تهدید قرار داده، لذا از مصرف آن پرهیز می کند. دین اسلام دینی است که برنامه ها و آموزه های سعادت بخش و جامع برای همه ابعاد زندگی از جمله سلامت انسان دارد. یکی از مهمترین آموزه های قرآن، آموزه توجّه به تغذیه ایمن یا سالم است. (مرزبندی، ص ۵۱-۵۲)

در قرآن، احادیث و رهنمودهای بزرگان دین، بر حفظ سلامتی و تقویت بدن و رعایت بهداشت در زندگی تاکید فراوان شده است؛ از جمله می توان به استناد، یکی از مصادیق آیه شریفه «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ؛ بقره، آیه ۱۹۵، و خود رابا دست خود به مهلکه و خطر در نیفکنید».

ضرورت رعایت بهداشت را برای پیشگیری از هلاکت استنباط کرد. روایات زیادی نیز به این مهم اشاره نموده اند از جمله:

«الصَّحَّةُ أَفْضَلُ النَّعْمِ؛ صحت و سلامتی از هر نعمت دیگری بهتر و ارزشمندتر است.» (آمدی، ص ۴۸۳)

«الْعَجَبُ لِعِفْلَةِ الْحَسَادِ عَنِ سَلَامَةِ الْأَجْسَادِ؛ از این که حسودان در فکر سلامتی خویش نیستند، سخت در شگفتم.»

(قمی، ص ۱۴۱).

«وَأَنْ لِبَدَنِكَ عَلَيْكَ حَقًّا؛ بی شک بدن تو بر تو حقوقی دارد (که باید آنها را ادا کنی و به آن رسیدگی نمایی)» (شیخ صدوق،

ج ۲، ص ۱۵۸)

«الْمُؤْمِنُ الْقَوِيُّ خَيْرٌ وَأَحَبُّ مِنَ الْمُؤْمِنِ الضَّعِيفِ؛ مومنی که قوی و نیرومند باشد، در نظر من از مومنی که ضعیف باشد بهتر و دوست داشتنی تر است.» (نیشابوری، ص ۵۶)

اسلام چون سلامتی را نیاز اساسی و ضامن بقای نسل آدمی می داند، حفظ صحت و سلامت را واجب شمرده است. به همین منظور راه کارهای فراوانی برای حفظ و تأمین آن پیش روی بشر قرار می دهد. در آموزه های دینی به صدها رهنمود در زمینه تغذیه، خواب، کار و محیط برمی خوریم که در پی رساندن انسان به سوی سلامتی فردی می باشند. علاوه بر این،

رهنمودهای فراوانی درباره سلامت روانی، روحی، خانوادگی، اجتماعی و... وجود دارد که گویای جامع‌نگری اسلام به موضوع سلامت می‌باشد.

در اسلام، حتی اگر عباداتی، مانند روزه واجب، برای انسان مضر باشد، واجب است که ترک شود و در چنین مواردی، کار واجب به کار حرام مبدل می‌گردد.

شهید مطهری در این مورد می‌نویسد: جای شک و تردید نیست که تعلیمات اسلام بر اساس حفظ و رشد و سلامت جسم است. علت حرمت بسیاری از این امور، مضر بودن آنها به حال بدن است. یکی از مسلمات فقه، این است که بسیاری از این امور به این دلیل تحریم شده‌اند که برای جسم انسان ضرر دارند. یک اصل کلی هم برای فقها مطرح است که هر چیزی که محرز بشود که برای جسم انسان مضر است ولو هیچ دلیلی از قرآن و سنت نداشته باشد، قطعاً حرام است. البته این را هم می‌گویند که زیانها بعضی معتنابه هستند و بعضی غیرمعتنابه؛ یعنی زیان آن قدر کم است که قابل اعتنا نیست. (سایت ویکی‌اهل‌البیت، اهمیت حفظ سلامتی در اسلام، ۱۳۹۹)

۱-۲. تعریف سلامت

معمولاً کسی را که بیماری جسمی نداشته باشد، سالم می‌نامند؛ در حالی که تعریف سلامت گسترده‌تر از این است. سازمان جهانی بهداشت در تعریف سلامت معتقد است:

«سلامت عبارت است از تأمین رفاه کامل جسمی و روانی و اجتماعی نه فقط نبودن بیماری و نقص عضو». (تهرانی، ص ۲۹) سلامتی یک مسئله چند بعدی است. امروز علاوه بر بعد جسمی، روانی و اجتماعی، جنبه معنوی را هم در نظر می‌گیرند. وباید توجه داشت که ابعاد مختلف سلامتی و یا بیماری بریکدیگر اثر کرده و تحت تاثیر یکدیگر قرار دارند. چنانچه مشکلات جسمی بر روان فرد، مشکلات روانی بر جسم او و نیز هر دوی آنها بر جامعه و اختلالات موجود در جامعه برهردو بعد دیگر سلامتی اثر می‌گذارند. لذا اقدامات انجام شده برای ارتقای سلامتی باید به تمام جوانب سلامتی فردی (جسمی، روانی، و معنوی) و سلامت کلی جامعه توجه داشته باشد. (بهادر، ص ۴۵)

۲-۲. تعریف بهداشت

در لغت نامه دهخدا بهداشت به معنی نگاه داشتن تندرستی. حفظ صحت آمده است. (دهخدا، ذیل واژه بهداشت) وینزلو، بهداشت را علم و هنر پیشگیری از بیماری، طولانی کردن عمر و ارتقاء سلامت انسان از طریق تلاش‌های سازمان یافته و انتخاب آگاهانه جامعه، سازمان‌های دولتی و خصوصی، جوامع و افراد می‌داند. (winslow, 183-191)

در اصطلاح به مجموعه فعالیت‌ها و اقداماتی که برای بهبود و ارتقای تندرستی و توانایی فرد یا جامعه انجام شود، بهداشت می‌گویند و شامل همه دانش‌ها و روش‌هایی است که به حفظ سلامت فرد و جامعه کمک می‌کنند. در قرآن کریم برای این معنا از واژه‌های «طیبات»، «طهارت» و مشتقات آن استفاده شده است.

۳. ابعاد نظام سلامتی و بهداشت در اسلام

قرآن به هر دو بعد مادی و معنوی انسان توجه دارد و می‌خواهد هر دو را شفا دهد. با همین نگاه آیات مرتبط با پزشکی و بهداشت را می‌توان در دو دسته کلی (جسمانی و روحانی) تقسیم کرد و برای مثال به ابعاد روان، خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی، تغذیه، کار، محیط زیست، اماکن عمومی، آب‌ها، طهارت و پاکیزگی از انواع نجاست‌ها و اشاره کرد.

۳-۱. معنای غذا در لغت:

غذا به کسر عین واژه و لغتی عربی است به معنای ما یتغذی به، یعنی آنچه رشد و نمو و قوام و قیام بدن، بدان استوار است. تغذیه؛ ثلاثی مزید از باب تفعیل به معنای تربیت و پرورش دادن جنبه‌ی فیزیکی و بدنی انسان است. غذا با دال مهمله و بی نقطه به معنای طعام و غذای صبحگاهی و اول روز است. (ولیکانی، سایت تدبیر، ۱۳۹۹)

۳-۲. غذا در اصطلاح علم تغذیه:

به طور کلی هر موجود زنده برای رشد و نمو و ادامه‌ی زندگی و انجام اعمال حیاتی لازم احتیاج به جذب مرتب موادی دارد که به نام غذا خوانده می‌شود، غذا عبارت از هر ماده‌ی جامد یا مایعی است که بعد از خوردن و هضم شدن و پس از آنکه از طریق دستگاه گوارش جذب بدن گردید، برای ترمیم، نگهداری، رشد و نمو نسوج بدن و سایر فعل و انفعالات حیاتی و ایجاد حرارات (انرژی) در بدن به مصرف می‌رسد.

۳-۳. معنای تغذیه

مجموعه‌ی تغییر و تبدیل مواد غذایی در بدن که موجب می‌شود که عضو زنده و سلول‌ها مواد مغذی را دریافت داشته و آنها را به مصرف رشد و نمو، نوسازی و نگهداری عضو برسانند و هم چنین بتواند حرارت و انرژی لازم و کافی جهت انجام اعمال حیاتی تأمین نمایند، به عبارت دیگر رابطه‌ی بین مواد غذایی گرفته شده توسط بدن و نحوه‌ی استفاده کردن بدن از آن مواد را که بتواند سلامتی را برای خود تأمین نماید تغذیه گویند.

۳-۴. اهمیت غذا

نیاز انسان به غذا، مهمترین و حیاتی‌ترین نیاز روزمره اوست که از تولد تا مرگ وی را همراهی می‌کند و حتی انبیا و اولیاء الهی نیز از این قاعده مستثنی نیستند. رشد، طول عمر، تندرستی، آرامش اعصاب و روان، خلق و خوی و رفتار، توانمندی و قدرت، تکثیر نسل و تولید مثل و... همه به نوعی و امدار تغذیه سالمند.

در قرآن کریم با اشاره به نعمت طعام و امنیت می‌فرماید: «الَّذِي أُطْعِمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ» (قریش، آیه

۴)، همان کس که آنها را از گرسنگی نجات داد و از ترس و ناامنی ایمن ساخت.»

۵-۳. تأثیر غذا و تغذیه بر اخلاق و رفتار

خداوند بین تغذیه کافران و مومنان تفاوت قائل شده است. در مورد کافران می فرماید: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ؛ (محمد، آیه ۱۲) کافران همواره سرگرم بهره گیری از کالا و لذت های زود گذر دنیا بیند و می خورند، همان گونه که چهارپایان می خورند».

توضیح آنکه حیوانات علف می خورند بی آنکه بدانند از کجا آمده، حلال است یا حرام؟ غصبی است یا مباح؟ کافران نیز غذا می خورند بی آن که به رجس و پلیدی و حلال و حرام بودن آن توجه داشته باشند. لذا فرجام مشابه ای دارند، لیکن مؤمنان به رازقیّت خداوند توجه داشته و منشا تغذیه و رزق خود را از ناحیه خداوند می دانند؛ ایشان به تاثیر اخلاقی و معنوی غذا توجه داشته، مقید به رعایت غذای پاکیزه و حلال می باشند. لذا به مؤمنان دستور داده شده فقط از غذاهای پاکیزه و حلال استفاده کنند.

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنَّ كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ؛ (بقره، آیه ۱۷۲) ای اهل ایمان، روزی حلال و پاکیزه ای که ما نصیب شما کرده ایم بخورید و شکر خدا به جای آرید اگر شما خالص خدا را می پرستید».

و در برخی آیات ارتباط تنگاتنگی بین غذای پاکیزه و عمل صالح دیده می شود. «يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا؛ (مومنون، آیه ۵۱) ای رسولان، از غذاهای پاکیزه (حلال) تناول کنید و به نیکوکاری و اعمال صالح پردازید».

زیرا همچنان که سخن پاکیزه، عمل صالح را به آسمان عروج می دهد، غذای پاکیزه نیز انسان را در جهت کسب کمالات معنوی و حفظ ارزشهای اخلاقی یاری می بخشد. اصحاب کهف که دغدغه حفظ ایمان و معنویت خود را داشتند، وقتی از خواب طولانی بیدار شدند به دنبال غذایی بودند که پاک و پاکیزه باشد و سبب خاموش شدن نور الهی در وجود آنان نگردد.

امام حسین علیه السلام با اشاره به یکی از علل رفتار پست و ناهنجار کوفیان در کربلا می فرماید: «قَدْ مُلِّتْ بُطُونَكُمْ مِنَ الْحَرَامِ؛ (شوشتری، ج ۱۱، ص ۶۲۴)، شکمهای شما از حرام پر شده است». رمز سلامتی روح و جسم در یک قیاس منطقی، چنین قابل تبیین است: سلامتی روح، تابع سلامتی تن است و سلامتی تن تابع غذا و تغذیه سالم پس سلامتی روح، تابع غذا و تغذیه سالم می باشد.

۶-۳. بهداشت تغذیه

دستوراتی که در بعد تغذیه، از طرف دین مبین اسلام به ما رسیده، علاوه بر سلامت روانی، سلامت جسمانی انسان را نیز تامین می کند، چون قوانین اسلام بر مبنای فطرت آدمی بنا شده است. آنچه از حلال و حرام و امر و نهی می بینیم، مصلحت انسان در آنها ملاحظه شده است. همانطور که امام باقر (علیه السلام) فرمود:

« وَ لَكِنَّهُ خَلَقَ الْخَلْقَ وَ عَلِمَ عَزَّ وَ جَلَّ مَا تَقُومُ بِهِ أَبْدَانُهُمْ وَ مَا يُصَلِّحُهُمْ فَأَحَلَّهُ لَهُمْ وَ أَبَا حَهُ تَفَضُّلاً مِنْهُ عَلَيْهِمْ بِهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لِمَصْلَحَتِهِمْ وَ عَلِمَ مَا يَضُرُّهُمْ فَنَهَاَهُمْ عَنْهُ وَ حَرَمَهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ أَبَا حَهُ لِلْمُضْطَرِّ وَ أَحَلَّهُ لَهُ فِي الْوَقْتِ الَّذِي لَا يَقُومُ بَدَنُهُ إِلَّا بِهِ فَأَمَرَهُ أَنْ يَنَالَ مِنْهُ بِقَدْرِ الْبُلْغَةِ؛ (کلینی، ج ۶، ص ۲۴۲) خداوندی که انسان را خلق کرده است،

می‌داند که چه چیزی برای او مفید و چه چیزی مضر است، در نتیجه چیزی که مفید است را حلال و چیز مضر را حرام کرده است.»

باورمندی و نگرش به غذا به عنوان آیه ای از خداوند، اعتقاد به رازقیّت الهی، برخورداری از نیت الهی در مصرف، ادای حقوق نیازمندان به هنگام مصرف، تمیز نگهداشتن غذا، استفاده از غذاهای متنوع، اعتدال در مصرف و نیز التزام به حلال و پرهیز از حرام از مهمترین راه بردهای نگرش و رفتاری ایمنی بخش غذایی با نگاه اسلامی می باشد .

۱-۶-۳. استفاده از نعمت های پاکیزه، سالم و سازگار با طبع:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» (بقره، آیه ۱۶۸) ای مردم! از آن چه در زمین، حلال و پاکیزه است بخورید و از گام های شیطان پیروی نکنید؛ که او، دشمنی آشکار برای شماست.»

۲-۶-۳. حلال بودن چیزهای پاکیزه و سالم و تحریم ناپاک ها

طیب بودن غذا یکی از راهکارهای دیگر در ایمنی تغذیه است. اصطلاح طیبات از کلمه طوبی می باشد که به معنای خوب، خوشمزه، شیرین، خالص و تمیز می باشد و به چیزهای مکروه آلوده نباشد. غذای طیب به غذاهایی گفته می شود که موافق طبع سالم انسانی است. نقطه مقابل آن خبیث است که طبع آدمی از آن متنفر است طیب یعنی کالای مصرفی باید از اشیای نجس و یا متنجّس، پاک باشد. پس مقصود از غذای پاک، غذایی است که از مواد پاک و به دور از هرگونه آلودگی تهیه شده باشد به گونه ای که علاوه بر رفع گرسنگی، سلامتی انسان را تأمین کند. خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

«الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ» (اعراف، آیه ۱۵۷) کسانی که از فرستاده خدا، پیامبر درس نخوانده، پیروی می کنند؛ آن پیامبری که صفات او را نزدشان در تورات و انجیل نوشته می یابند؛ در حالی که آنان را به کار پسندیده فرمان می دهد، و آنان را از کار ناپسند منع می کند و برایشان (خوراکی های) پاکیزه را حلال می شمرد و پلیدی ها را بر آنان حرام می کند.»

۳-۶-۳. رعایت آداب تغذیه:

یکی از آداب غذا خوردن، رعایت اعتدال در تغذیه است. خداوند در سوره اعراف آیه ۳۱ بر رعایت تعادل در مصرف تاکید می ورزد. «كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (اعراف، آیه ۳۱) بخورید و بیاشامید و اسراف کاری نکنید که او اسراف کاران را دوست ندارد». لذا در روایات، خوردن بیش از حد، فرو بردن سریع غذا، زیاده روی در خوردن یک نوع غذا، خوردن لقمه حرام، ضایع کردن غذا، مصرف ناقص غذا و ... را از مصادیق اسراف در غذا شمرده شده است. از آداب دیگر تغذیه برخورداری از نیت الهی در مصرف غذا و گفتن بسم الله قبل از غذا و سپاسگزاری از خداوند در پس از غذا هم تاکید شده است. استفاده از غذاهای متنوع و گروههای گوناگون غذایی از بایدهای اساسی دیگر در ایمنی تغذیه است.

۴-۶-۳. حرمت خوردن هر چیز کثیف و ناسازگار با طبع

«الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي ... وَيَحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ؛ (اعراف، آیه ۱۵۷) کسانی که از فرستاده ی خدا، پیامبر درس نخوانده، پیروی می کنند؛ آن پیامبری که صفات او را نزدشان در تورات و انجیل نوشته می یابند؛ در حالی که آنان را به کارپسندیده فرمان می دهد، و آنان را از کارناپسند منع می کند و برایشان خوارکی های پاکیزه را حلال می شمرد و پلیدی ها را بر آنان حرام می کند».

۵-۶-۳. تحریم مردار، خون و گوشت خوک از غذاهای ناپاک و مضر به سلامت و بهداشت بدن

«إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ؛ (انعام، آیه ۱۴۵) خدا تنها (خوردن) مردار و خون و گوشت خوک و آنچه به هنگام سربریدن، نام غیر خدا بر آن بانگ زده شده را بر شما حرام کرده است؛ ولی کسی که ناچار شود، در صورتی که ستمگر و متجاوز نباشد، پس گناهی بر او نیست؛ چراکه خدا بسیار آمرزنده ی مهرورز است».

۴. اهمیت توجه به عوامل تهدید کننده سلامت غذای جامعه

آلاینده های شیمیایی که با آلوده نمودن موادغذائی بر سلامتی انسان مؤثرند، باقیمانده فلزات سنگین (سرب، جیوه، نیکل، کروم، آرسنیک، روی، مس، قلع، کادمیوم و ...) و انواع افزودنیهای غیرمجاز و مواد نگهدارنده و مواد کاهنده بارمیکربی، همچنین باقیمانده سموم دفع آفات و شوینده ها، کودهای حیوانی، انسانی و شیمیایی، داروها از جمله آنتی بیوتیک ها، هورمون ها و ... به طور مستقیم موجب عدم سلامت موادغذائی شده و یا با آلوده کردن منابع حیوانی و گیاهی به طور غیر مستقیم بر سلامت غذا اثر می گذارند. علاوه بر همه اینها گاهی مواد غذائی به علت شرایط ناصحیح تولید یا نگهداری در اثر فعل و انفعالات شیمیایی، تغییر حالت داده و سلامت خود را از دست می دهد و همین امر موجب ایجاد مواد خطرناکی نظیر پراکسیدها و اکسیدهای کلسترویل در غذا می گردد که در اثر تداوم، مشکلات قابل توجهی برای سلامتی انسان ایجاد خواهند کرد. متخصصان امر سلامت غذا، مراحل مختلفی را برای مدیریت سلامت غذایی جوامع پیشنهاد می کنند. اولین مرحله برای این موضوع مهم، شناخت مشکلاتی است که سلامت غذا را تهدید می کند. سپس به مراحل بعدی شامل موارد خطر، محصولات مورد خطر، شدت خطری که ایجاد می کنند و چگونگی مدیریت رفع خطر می پردازند. بنابراین شناخت عوامل خطر تهدید کننده سلامت غذا اولین مرحله است که هم برای مسئولین امر و هم آحاد جامعه امری ضروری است و این مهم کار و تلاش فراوان می طلبد.

تغذیه نا صحیح و نامتعادل می تواند یکی از اصلی ترین عوامل تهدید کننده سلامت آحاد جامعه باشد.

۵. اصول و قواعد فقهی در عدم جواز مصرف محصولات تراریخته

در این قسمت به دو قاعده فقهی لا ضرر و دفع ضرر محتمل اشاره می شود.

۱-۵. قاعده لا ضرر و لا ضرار:

عقل به طور مستقل حکم می کند که حفظ نفس انسان واجب است و این از مستقلات عقلیه‌ای است که ما می توانیم کشف از حکم خدای تبارک و تعالی را هم به دنبالش داشته باشیم. از طرفی ما در اسلام دستور داریم که اگر غذایی موجب ضرر به جان انسان است خوردنش حرام است.

در قاعده لا ضرر باید وجود ضرر حتمی باشد که براساس آن بتوان حکم به تحریم چیزی داد. بنابراین اگر ضرر محصولات تراریخته ثابت شود و مقدار آن در حدی باشد که قابل اعتنا باشد، براساس قاعده لا ضرر مصرف آنها ممنوع می شود.

۲-۵. قاعده دفع ضرر محتمل:

قاعده دفع ضرر محتمل، از قواعد عقلی است که مضمون آن حکم عقل به دفع ضرر محتمل و یا مظنون است؛ بنابراین، اگر انسان درباره چیزی احتمال ضرر بدهد، از نظر عقل، دفع آن ضرر محتمل واجب است. این قاعده در مباحث مختلف اصولی، هم چون بحث حجیت مطلق ظن کاربرد دارد. در بحث حجیت مطلق ظن گفته شده ظن به حکم شرعی، با ظن به ضرر ملازم است و دفع ضرر مظنون از نظر عقل واجب است، پس عمل به ظن واجب است. در بحث احتیاط نیز یکی از ادله عقلی که برای وجوب احتیاط به آن استناد شده، همین قاعده است؛ به این بیان که مبنای اصل احتیاط، حکم عقل به دفع ضرر محتمل است؛ یعنی عقل به لزوم دفع ضرر محتمل حکم می کند، و هرگاه در مورد ترک یا انجام کاری، احتمال ضرر باشد، عقل به احتیاط حکم می کند.

معیار سلامت محصولات تراریخته باید براساس مبانی علمی باشد، ولی شرکت‌های بزرگ تولید کننده مواد غذایی تراریخته با کمک شبکه رسانه ای مرتبط با خود، مصرف کنندگان را به صورتی زیرکانه و سازمان یافته طوری هدایت می کنند تا به دانشمندان وابسته به این شرکتها و اظهار نظر های آنان اعتماد کنند، ولی عموماً عقیده و احساسی گنگ در مورد اطمینان و یا عدم اطمینان در مورد اظهار نظر ها وجود دارد. در واقع حس عمومی احساس خطر در مورد تأثیرات نامشخص این فناوری وجود دارد و افکار عمومی، غذاهای اصلاح شده ژنتیکی را خطر نهفته احساس می کنند و در این میان، عدم وجود برچسب و یا نشان مناسب، حق انتخاب درست را از مصرف کننده سلب می کند.

۶. ادله جواز مصرف محصولات تراریخته

در این گفتار ادله فقهی اباحه، براءت، قبح عقاب بلا بیان و قاعده عسر و حرج جهت جواز مصرف محصولات تراریخته بررسی می شود.

۱-۶. اصل اباحه:

اباحه از ریشه بَوَّح و بُوَّح، به معنی اجازه دادن است و مباح هم که از اباحه مشتق شده در معانی اظهار، اعلان و اطلاق استعمال شده است. (محقق داماد، ج ۲، ص ۲۹۹)

وقتی گفته می شود اصل اولی در اشیا و افعال اباحه است یعنی اصل نخستین در همه کارها و اشیا قبل از آنکه قانونی درباره آن وضع شود و حکم و وجوب یا حرمت را برای آن مشخص کند، اباحه است؛ یعنی بر ترک یا انجام دادن آن کیفر یا پاداشی نیست؛ بنابر این نمی توان عملی را حرام یا جرم خواند، مگر آنکه دلیلی از طرف شارع بر آن وارد شده باشد.

انسان نسبت به اشیا موجود در خارج هرگونه دخل و تصرفی می تواند بکند؛ مگر در مواردی که دلیل بر منع آن وارد شده باشد. پس هرگاه در حلال یا حرام بودن چیزی شک کردیم و دلیلی نداشتیم، با اجرای اصل حلیت، به حلال بودن آن حکم می کنیم. (کاظمی، ۱۳۸۷، ص ۴۷)

اصل حظر به معنای منع، متضاد اباحه است و به این معنی است که تا دلیل شرعی بر جواز ارتکاب یک فعل وجود نداشته باشد باید از آن اجتناب نمود؛ بنابر این اصل اباحه هم که مقابل آن است، عبارت است از اینکه تا دلیلی بر حرمت ارتکاب یک فعل وجود نداشته باشد، می توان آن را انجام داد. (محقق داماد، سایت تبیان، ۱۳۹۹)

در مورد اینکه آیا اصل در اشیا و افعال «اباحه» است یا «حظر»، میان فقهای مذاهب مختلف اسلامی اختلاف نظر وجود دارد. فقهای مذهب شافعی معتقدند تا زمانی که دلیل بر حرمت چیزی وارد نشده است اصل، اباحه است. (عوده، ج ۱، ص ۱۱۶)

بیشتر فقهای مذهب حنفی نیز این قاعده را پذیرفته اند و بعضی دیگر از آنها می گویند اباحه مستلزم مباح کننده است و مباح کننده خداوند متعال است که در خطاب خود، مکلف را بین فعل و ترک مخیر سازد، پس وقتی که خطابی نباشد تخییر و اباحه ای نخواهد بود؛ پس افعال نزد این گروه نه ممنوع هستند و نه مباح و حرجی در فعل و ترک آنها نیست. (همان) به نظر می رسد که این عده نیز با مفهوم عام اباحه موافق هستند، هر چند که اباحه را به معنای اول آن گرفته اند.

اهل ظاهر و گروهی از اصحاب قیاس و رأی (پیروان ابو حنیفه و شاگردان او) هم معتقدند که اصل در امور نه حظر است و نه اباحه، و حظر موقوف به بیان شارع است. (ظاهری، ج ۲، ص ۵۲) نتیجه این قول هم نفی حرج از فعل یا ترک آن امور است.

پیروان مالک و شاگردان او هم می گویند اصل در امور حظر و منع است. به این دلیل که تمام اشیا ملک خداوند عزوجل است و تصرف در ملک او بدون اذن، جایز نیست. (همان)

به نظر می رسد که نظریه اصحاب حظر باطل است؛ چرا که نه دلیلی بر اثبات اصالة الحظر وجود دارد و نه ضرورت عقلی آن را تأیید می کند. به این معنی که از نظر عقلی معنی حظر، ترجیح ترک یک امر بر فعل آن است به دلیل اینکه انجام آن متضمن ضرر است؛ بنابر این وقتی که دلیلی وارد نشده و عقل آن را اقتضا نمی کند چگونه می توان فهمید که ترک آن بر انجام دادنش ترجیح دارد. و اینکه اصحاب حظر می گویند تصرف در ملک غیر بدون اذن او حرام است، درست نیست؛ چرا که اگر از طرف شارع تحریم و نهی نشده باشد، قبح آن مسلم نیست؛ مضافاً اینکه تصرف در ملک غیر زمانی قبیح است که متضمن ضرر برای او باشد.

مشهور نزد فقهای امامیه این است که عقل و شرع هر دو، بر اصل اباحه دلالت می‌کنند. (انصاری، ص ۱۹۹) بنابراین در مسائل مستحدثه مانند مصرف محصولات تراریخته که حکم آن از نظر شرع مشخص نشده، اگر با قواعد دیگر فقهی مانند لاضرر یا دفع ضرر محتمل، محدود نگردد، حکم آن اباحه است و پاداش و عقابی برای مصرف آن نمی‌توان در نظر گرفت.

۲-۶. اصل برائت

اصل برائت به این معنی است که چنانچه حکم و تکلیفی اعم از وجوب یا حرمت به مکلف نرسیده باشد و مکلف به واسطه عدم وصول این تکلیف مرتکب حرام و یا ترک واجب شود، از مسئولیت کیفری مبرا خواهد بود. دلالت اصل برائت بر قانونی بودن جرم و مجازات بدین نحو است که عدم وصول و اعلام تکلیف به مکلف با عدم تنجز تکلیف مساوی است و عدم تنجز تکلیف نیز با عدم مشروعیت مجازات برابر است؛ و این همان مفهوم قانونی بودن جرم و مجازات است. نکته دیگر آنکه صرف وجود حکم واقعی و یا حجت عقلی بر درک تکالیف، به تنهایی برای تنجز تکلیف و مشروعیت مجازات کافی نیست؛ چرا که در غیر این صورت، اولاً نیازی به بعثت انبیا نبود؛ ثانیاً حسن و قبح عقلی چیزی غیر از حرمت و وجوب شرعی است.

۳-۶. قاعده قبح عقاب بلا بیان

حکم عقل به قبح مؤاخذه و عقاب بدون بیان: اگر خداوند انسان را به موجب تخلف وی از تکلیفی که به او ابلاغ نشده، مؤاخذه و عقاب کند، عقل انسان آن را قبیح می‌داند و خداوند حکیم به دور از انجام هرگونه کار قبیح است. بر این اساس، در مورد هر آن چه خداوند حکم و تکلیف درباره آن به ما نرسانده است، آزاد و مجاز خواهیم بود.

انسان‌ها به موجب این اصل از مصونیت و تأمین اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کافی برخوردار می‌شوند. برای استدلال به این قاعده در اصل برائت، دانستن چند نکته ضروری است:

(الف) همواره رتبه برائت عقلی از برائت شرعی متأخر است؛ به این معنا که زمانی می‌توان به قاعده فوق تمسک جست که دلایل شرعی برای اثبات برائت کارآیی نداشته باشد.

(ب) دخالت عقل در شرع تنها مربوط به مرحله امتثال است، اما در مرحله تشریح و قانون گذاری شارع است که طبق صلاحدید خود می‌تواند قانون وضع کند.

(ج) اثبات برائت عقلی با قاعده مورد بحث، هنگامی صحیح است که کلمه «بیان» در قاعده به معنای وصول تکلیف به مکلف باشد نه صرف اعلام آن.

چنانچه کلمه «بیان» مذکور در قاعده را به معنای عام (اعم از اعلام تکلیف از طرف شارع و وصول تکلیف به مکلف) در نظر بگیریم، معنای قاعده و دلالت آن هم عام بوده و شامل هر دو اصل برائت و اباحه می‌شود.

نکته دیگر این است که قاعده مذکور با قاعده عقلی لزوم دفع ضرر متحمل «ظاهراً تعارض دارد. بدین بیان که مطابق قاعده اخیر در هر موردی که احتمال ضرر وجود دارد، بر انسان لازم است که آن ضرر و خطر احتمالی را از خود دور کند؛ لذا در مورد شک در تکلیف و احتمال وجود عقاب در صورت مخالفت با تکلیف مجهول هم، طبق قاعده مزبور باید به تکلیف عمل نمود؛ بنابر این جایی برای برائت نیست.

با توجه به مراتب فوق باید دید که کدامیک از این قواعد بر دیگری تقدم و ترجیح دارد: اصولیان در رفع تعارض این دو قاعده می‌گویند:

اولاً: مراد از کلمه «ضرر» در قاعده لزوم دفع ضرر محتمل، «خسارات و ضررهای دنیوی» است نه عقاب اخروی؛ بنابراین این ربطی به قاعده قبح عقاب بلا بیان ندارد.

ثانیاً: بر فرض که مراد از ضرر همان نوع اخروی باشد، راه حل تعارض این دو قاعده این است که با «ورود» قاعده قبح عقاب بلا بیان، موضوع قاعده لزوم دفع ضرر محتمل منتفی می‌گردد؛ به عبارت دیگر با وجود قاعده اول، دیگر جایی برای احتمال ضرر وجود ندارد؛ چرا که عقلاً قبیح است شارع نسبت به تکلیف مجهول خود، عقاب و مؤاخذه‌ای قرار داده باشد. در این صورت قاعده دوم جاری نخواهد بود. (انصاری، ص ۳۳۵)

به عنوان نتیجه نهایی می‌توان گفت که طبق قاعده مذکور، مکلف در مورد شبهه‌های حکمی (احکام مجهول شارع) مسؤولیتی نداشته، مواخذه نمی‌شود؛ اما در شبهه‌های موضوعی که حکم شارع روشن است و موضوع خارجی مشتبه گردیده است، این قاعده کارایی ندارد. آیه «مَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا» (اسراء، آیه ۱۵) ما عذاب نداده‌ایم (هیچ گروهی را) مگر بعد از برانگیختن رسولان».

استدلال به این آیه شریفه در اثبات اصل برائت و عنصر قانونی جرم و مجازات به گونه‌ای خالی از ایراد، بدین ترتیب است که: عرفاً از آیه شریفه فهمیده می‌شود که عذاب خداوند متوقف بر بعثت رسولانی است که مبلّغ احکام او باشند. و بعثت رسول در فرستادن عذاب و مجازات، موضوعیتی ندارد، بلکه رسول وسیله و طریق ایصال و ابلاغ تکالیف بر بندگان و اتمام حجت بر آنان است؛ بنابراین مراد از انتخاب و فرستادن رسول هم، فرستادن «خود» رسول نیست بلکه مراد، ابلاغ احکام است. پس اگر فرض شود خداوند رسولی را بفرستد، لیکن رسول او در زمان خاصی بنا به مصلحتی یا دلیل دیگری احکام خدا را به مردم اعلام نکند، نمی‌توان گفت که چون خداوند رسولی فرستاده، مردم را عذاب می‌کند. همچنین اگر رسول خدا بعضی از احکام او را به مردم برساند، مجازات کردن مردم نسبت به احکامی که اعلام نشده است نیز بر خلاف مفاد آیه مذکور است و نیز اگر رسولی جمیع احکام الهی را در زمان خودش به مردم اعلام بکند، لیکن به مردم عصرهای بعدی واصل نشود عذاب آنان با آیه ناسازگار است. پس آنچه موجب استحقاق عذاب و مجازات است، ابلاغ و ایصال احکام به مکلفین است کما اینکه تقارن کلمه «بعثت» با «رسول» نیز کنایه از ایصال احکام است. (سبحانی، ج ۲، ص ۱۳۹)

۴-۶. قاعده عسرو حرج

قاعده لاحرج که در منابع فقهی و حقوقی از آن با نام (قاعده نفی عسرو حرج) نیز یاد می‌شود، از جمله مهم‌ترین قواعد فقهی است که در بسیاری از باب‌های فقهی به کار می‌رود. بر اساس این قاعده، هیچ حکمی در میان احکام الهی وجود ندارد که انجام آن باعث دشواری و سختی مکلف شود، بدین معنا که احکام به عنوان قضایای حقیقیه و درمعنای کلی سبب عسر و حرج برای مکلف نمی‌گردد، لکن ممکن است به صورت مصداقی برای افراد موجب حرج گردد بنابراین در صورت به دشواری افتادن مکلف از انجام یکی از احکام الهی و عدم توانایی و قدرت در انجام آن، تکلیف از او ساقط می‌گردد و لازم نیست به انجام آن مبادرت کند، مثل جایی که اگر یقین به عدم توانایی نسبت به گرفتن روزه دارد و روزه داری را برای خود حرجی دانست، باتوجه به قاعده لاحرج، آن روزه را نمی‌گیرد و خود را مرتکب هیچ گناهی نمی‌داند. (شاهین فرد، ۱۳۹۵، ص ۲۲۷)

۷. نتیجه گیری

از آنجایی که مصرف کننده، کالای اقتصادی را برحسب نیاز از بازار عمومی مصرف، تهیه می کند دارای حقوقی است. حقوق مصرف کننده شامل: حق دانستن، سلامت کالا، اطلاعات، انتخاب، عرضه، دریافت خسارت، آموزش در مورد نحوه ی استفاده از کالای عرضه شده به بازار، حق تمیز و تشخیص مصلحت خود و می شود.

عموم مردم نسبت به لزوم علامت گذاری مواد تراریخته حق دارند. حق آزادی در انتخاب مواد غذایی و نوع آنها یکی از حقوق اساسی بشر محسوب می شود. برای تشخیص حکم مصرف این محصولات باید به این توجه داشت که در شرایط فعلی بازار تجارت، آیا مصرف کنندگان توانایی تصمیم گیری و انتخاب در برابر غذاهای مهندسی شده ژنتیک بدون برچسب و یا علامت مشخص و یا حتی علامت دار را دارند؟

برای مصرف کننده ای که غذای مصرفی خود را از بازار مسلمین تهیه می کند و از طرفی ابزاری برای تشخیص کالای مصرفی تراریخته ندارد، قاعده اباحه جاری است و توسل به قواعد دیگر زمانی کارایی خواهد داشت که حقوق مصرف کننده در دانستن و انتخاب، با برچسب گذاری رعایت شود.

در زمانی که قدرت تشخیص و انتخاب وجود دارد، قاعده لاضرر و قاعده دفع ضرر محتمل در جهت عدم جواز وقواعد اباحه، برائت، قبح عقاب بلا بیان و عسر و حرج در جواز مصرف مورد بررسی قرار گرفت. قاعده لاضرر به دو دلیل قابل استناد نیست.

الف) حتمی نبودن ضرر این محصولات (ب) داشتن منافع علاوه بر مضرات.

در مورد قواعد دیگر باید دید کدام یک بردیگری تسلط داشته و به آنها تخصیص می زند. بنا بر قواعد اباحه، برائت و قبح بلا بیان هر چند مصرف محصولات تراریخته مباح است ولی قاعده دفع ضرر محتمل بر آنها تسلط داشته و عقلاً حکم احتیاط در مصرف جاری می شود.

در شرایط عسر و حرج همانطور که استفاده از غذای حرام، واجب می شود. قاعده دفع ضرر محتمل نیز بی اثر شده و قاعده نفی عسر و حرج حاکم می گردد.

باید توجه داشت در اسلام مصلحت مقدم بر منفعت است؛ چه بسا چیزی برای انسان نفعی داشته باشد ولی به مصلحت او یا جامعه نباشد. رعایت مصلحت جامعه اسلامی در همه زمینهها بر همه مسلمانان لازم است و ایجاد آمادگی در همه زمینهها، مطابق آیه ۸ سوره انفال بر همه واجب می باشد.

« وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ؛ (انفال، آیه ۶۰) و شما (ای مؤمنان) در مقام مبارزه با آن کافران خود را مهیا کنید و تا آن حدّ که بتوانید از آذوقه و تسلیحات و آلات جنگی و اسبان سواری زین کرده برای تهدید و تخویف دشمنان خدا و دشمنان خودتان فراهم سازید. » ایجاد امنیت جانی، اجتماعی و همچنین سلامتی در جامعه از مهم ترین مصالح مسلمانان است و تأثیر بسزائی در رشد، آرامش و رفاه عمومی دارد.

منابع

قرآن کریم.

۱. مرزبندی، رحمت اله و همکاران، «ابعاد معنوی ایمنی غذا مبتنی بر علوم اسلامی»، نشریه اسلام و سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بابل، دور دوم، شماره اول، بهار ۱۳۹۴.
۲. آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غررالحکم و درر الکلم، قم، مکتب الإعلام الإسلامی، بی تا.
۳. قمی، عباس، شرح حکم نهج البلاغه، تهران، بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۷۶.
۴. ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، ابو جعفر محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، ج ۲، بیروت، ۱۴۰۴ ق.
۵. مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم استانبول، دارالطباعة العامره استانبول، ۱۴۲۹ ق.
۶. دانش نامه اسلامی، «اهمیت حفظ سلامتی در اسلام»، سایت ویکی اهل البيت، تاریخ بازدید ۱۳۹۹/۵/۱۸، http://wiki.ahlolbait.com/سلامتی_جسم_در_اسلام/
۷. کی. پارکر، جان اورت پارک، کلیات خدمات بهداشتی، حسین شجاعی تهرانی، سماط، ۱۳۹۳.
۸. حمیدالله بهادر، کتاب جامع بهداشت عمومی، ص ۴۵.
۹. Winslow, Charles-Edward Amory (۱۹۲۰). «The Untilled Field of Public Health». *Modern Medicine*. 2: 183–191.
۱۰. نداولیکانی، «نقش غذا در سلامتی انسان از دیدگاه اسلام»، سایت تدبیر، تاریخ بازدید ۱۳۹۹/۵/۱۸، <http://tadabbor.org/print.aspx?Page=Article&AID=1483>
۱۱. شوشتری، نورالله بن شریف الدین، شرح احقاق الحق وازهاق الباطل، قم، مکتبه آیه الله المرعشی العامه، ۱۳۶۲ ش.
۱۲. کلینی، محمد ابن یعقوب، ترجمه فروع کافی، قم، نشر قدس، ۱۳۸۸.
۱۳. محقق داماد، سید مصطفی، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۷.
۱۴. سید مصطفی محقق داماد، «قاعده قبح عقاب بلا بیان و مقایسه آن با اصل قانونی مجازات»، سایت تبیان، تاریخ بازدید ۱۳۹۹/۵/۲۰، library.tebyan.net/fa/Viewer/Text/84095/1
۱۵. ابن حزم ظاهری، أبو محمد علی بن أحمد، الاحکام فی اصول الاحکام، بیروت، دارالکتب العالمیه، ۱۴۰۵ ق.
۱۶. کاظمی، عبدالحسن، عباسی، محمود، «مواد غذایی تراریخته و حقوق مصرف کننده»، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، سال سوم، شماره های ۴ و ۳، سال ۱۳۸۷.
۱۷. عوده، عبدالقادر، التشريع الجنایی الاسلامی، دارالتراث، ۱۹۷۷ م.
۱۸. انصاری، مرتضی بن محمد امین، فرائد الاصول، قم، موسسه نشر الاسلامی، ۱۴۱۶ ق.
۱۹. سیحانی تبریزی، جعفر، الرسائل الاربع، قم، موسسه امام صادق (ع)، ۱۴۱۵ ق.
۲۰. شاهین فرد، خاطره و همکاران، «شمول پذیری قاعده لاجرح نسبت به حرج های غیر جسمانی و پیامدهای فقهی آن»، فصلنامه فقه پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد، سال هشتم، شماره ۲۶ و ۲۷، بهار و تابستان ۱۳۹۵.